



## سوره مبارکه حجر

جلسه سوم: ۹۳/۴/۲۴

\* جلسات قبل بیان شد:

- ❖ سوره مبارکه حجر در واقع سوره «تبیین کتاب بودن قرآن و ذکر بودن» آن است.
  - ❖ سوره «مودت به قرآن» است.
  - ❖ سوره‌ای است که «قرآن را به عنوان حلال مشکلات و دغدغه‌های زندگی انسان» معرفی می‌کند.
  - ❖ «آداب مراجعه به قرآن و شأن و جایگاه» آن را معرفی می‌کند.
  - ❖ درباره «ذکر بودن و حافظ بودن قرآن» صحبت می‌کند.
  - ❖ در این سوره «برخوردهای غلط آدم‌ها راجع به ذکر و قرآن» گفته شده است.
  - ❖ این سوره «درمانی است تا انسان بتواند مودت و محبت خود را نسبت به قرآن کریم و ذکر بودن آن» اصلاح کند و از این طریق بتواند مسیر سعادت را طی کند که این سوره برایش تبیین می‌کند.
- کسی که قرآن برایش ذکر نشود و نتواند حباب غفلت و هوای نفسش را خالی کند، از هیچ طریق دیگری نمی‌توان او را به راه آورد.
- گزاره‌های قرآن، گزاره‌هایی بدیهی و مطابق با فطرت انسان‌هاست.
- آیات ۱۴ و ۱۵: پیشینیان نیز برای هدایت نشدنشان توجیه می‌آوردند و خدا اگر در آسمان را هم باز کند و آنها عجایب عالم را ببینند و متحول هم بشوند باز هم به رسول می‌گویند: «تو ما را سحر کرده‌ای».
- نکته: ذکر در عالم ندیدنی و نشنیدنی نیست بلکه نپذیرفتنی است زیرا همه آدم‌ها در عالم برای خودشان ذکر دارند. دغدغه روز قیامت با آدم‌ها بر سر این نیست که چرا ذکر را نشنیدی بلکه بر سر این است که چرا ذکر را نپذیرفتی!!
- در منطق ذکر در قیامت هیچ‌کسی هیچ توجیهی برای خداوند نمی‌تواند بیاورد زیرا هرکس برای خودش ذکر داشته و قوانین فطری هم وجود داشته و آنها را فهم کرده است و اگر انسان‌ها عمل کنند همان یک ذره از ذکر را که به آنها رسیده است، به همه مراتب بالاتر خواهند رسید.
- نکته: حقیقت واژه «سحر» در قرآن این است که به هر القاء، گرایش و به تبع آن رفتاری گویند که مبتنی بر عقل نباشد.
- نوعاً آدم‌ها می‌پندارند فقط کارهای عجیب و غریب سحر است و حتماً باید یک نیروی ماورایی باشد. (البته برخی از انواع سحر احتیاج به نیروی ماورایی دارد) ولی مطلقاً سحر احتیاج به نیروی ماورایی ندارد. «سحر» یعنی عقل به هر طریقی زائل شود و چیزی دیگر به جای عقل بنشیند. حال می‌تواند خیال فردی به عقلش غلبه کند و یا توهماتش، یا گرایش‌های درونی‌اش، یا هوای نفس و ...
- هر آنچه در وجود انسان به عقل غلبه کند و حاکمیت عقل تحت الشعاع آن قرار گیرد به آن اتفاق، «سحر» گویند.
- نکته: وقتی تأکید این سوره بر روی قرآن است به این معناست که باید معارفمان را از قرآن بگیریم.

- حضرت علامه آیات ۱۶ تا ۲۵ را دسته سوم در نظر گرفته‌اند:

### دسته سوم آیات ۱۶ تا ۲۵:

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَئِبَاتَهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶) و همانا ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم.
وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۱۷) و آن را از [ورود] هر شیطان مطرودی نگاه داشتیم.
إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَيْهَابٌ مُبِينٌ (۱۸) مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشنی او را دنبال می‌کند.
وَ الْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ (۱۹) و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و در آن از هر چیز متناسب [نیاز انسان] رویاندیم.
وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰) و در آن برای شما و برای آن که روزی رسان وی نیستید اسباب زندگانی پدید آوردیم.
وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۱) و هر چه هست، خزینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ی معین نازل نمی‌کنیم.
وَ أَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَافِحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲) و بادها را بارور کننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را بدان سیراب نمودیم، در حالی که شما ذخیره کننده‌ی آن نبودید.
وَ إِنَّا لَنَخُنُّ نُحْيِي وَ نُمِيتُ وَ نَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳) و بی‌تردید، این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارث [همه] هستیم.
وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴) و ما به خوبی رفتگان شما را شناخته‌ایم و بازماندگان شما را نیز شناخته‌ایم.
وَ إِنْ رَبِّكَ هُوَ يَخْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵) و مسلماً پروردگار تو هموست که آنها را محشور خواهد کرد، [و] او حکیم داناست.

- آیه ۱۶: هر جا در قرآن «آسمان» مطرح می‌شود منظور چیزی است در مقابل زمین، یعنی یک بالایی در برابر یک پایین. یعنی واژه سماء در قرآن به مطلق مرتبه بالاتر در برابر مرتبه پایین‌تر است، لذا در درون انسان نیز آسمان وجود دارد که به ملکوت وجود انسان در برابر ملکوت «آسمان» گفته می‌شود.

- هر آسمانی نیز برای خود، آسمانی دارد و هر آسمانی نسبت به آسمان پایین‌تر خود، «ارض» محسوب می‌شود و اینها مراتب آسمان در عالم هستی است. لذا هرگاه درباره آسمان سخن می‌گوییم یعنی درباره حرکت به سمت ملکوت سخن به میان آمده است تا اینکه به اصل آسمان برسد که همان اسماء و صفات الهی است که همه مراتب از آنها شکل می‌گیرد.

- در نظام تکوین عالم، حرکت به سمت ملکوت، حرکتی کاملاً تکوینی است.

- تمامی حقایق عالم در قرآن آمده است. خصوصی‌ترین اتفاقات معراج که بین خدا و رسول (ص) بوده است در قرآن آمده و فقط کسی می‌تواند به آنها دست پیدا کند که با این حقایق سنخیت داشته و طهارت لازم را داشته باشد.

- آیه ۱۷: آسمان هم از شیطان رجیم در حفظ است و این‌گونه نیست که او بتواند به آن دست پیدا کند. نظام آسمان به گونه‌ای است که قابلیت بالا رفتن برای شیاطین را ندارد.

- شیطان اصلاً قدرت ندارد که به علم اسماء برسد، اعم از شیاطین جنی و انسی.

## زنگ دوم:

- آیه ۱۸: لازم نیست شیطان را با شهاب مبین رجم کنند، بلکه او خودش رجم است.

- نکته‌ای که از آیه ۱۸ به دست می‌آید این است که «انسان با گناه کردن خودش را از ملکوت محروم می‌کند و لازم نیست او را محروم کنند».

- آیه ۱۹: اینها همه نعمت‌های خداست: امتداد زمین و کوه‌های در آن و رشد گیاهان که هر چیزی در آن وزن دارد. یعنی اندازه مشخص و امتداد و نظام مشخص دارد.

- آیه ۲۰: معایش زندگی ما را در این نظام قرار داده‌اند. اگر وزن و موزونی در نظام عالم نبود، ما برای لحظه‌ای نمی‌توانستیم در این عالم زندگی کنیم.

- آدم‌ها نسبت به همین پدیده‌های عالم (آسمان، کوه و ...) اعراض دارند. لذا بدیهی است زمانی که پیامبری آید و بگوید: «اخلاق داشته باشید»، اعراض می‌کنند.

- وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ: آدم‌ها می‌پندارند اگر به کسی رزق ندهند خدا هم به او رزق نخواهد داد. آدم‌ها فکر می‌کنند می‌توانند مسیر زندگی کسی را تنگ کنند و یا کسی را خوشبخت و یا بدبخت کنند.

- آیه ۲۱: این آیه بسیار مهم است و از غرر آیاتِ کل قرآن است.

- هر آنچه که در عالم بتوان به آن اطلاق شیئیت و موجودیت کرد، اعم از در، دیوار، عاطفه، افکار، گرایش و ... خزانه‌اش دست خداست. «خزانه آن دست خداست» یعنی پرتوی نوری که می‌بینیم، خورشیدی دارد. یعنی «خورشید» خزانه این پرتوی نور است و خدا در این آیه گفته است: «ما در هر موقعیتی به اندازه قدر و اندازه آن موقعیت نازل می‌کنیم».

- چند نکته از آیه ۲۱:

۱) در عالم خواستیم از هر شیئی استفاده ببریم، اصلِ خزانه‌اش در جایی دیگر است. مثلاً اگر می‌خواهیم غذا گرسنگی مان را برطرف کند و یا دوست تنهایمان را پر کند و ... اصلِ خزانه اینها در جایی دیگر است، لذا نباید شیء را به عنوان اثر دید بلکه اصلِ خزانه در جایی دیگر است. ما باید همه نورهای عالم را تبعه خورشید عالم بدانیم.

۲) فایده این مسئله این است که اگر چیزی را داشتیم نمی‌پنداریم همه آن چیز را داریم زیرا خزانه‌اش چیز دیگری است.

۳) اگر اشیاء نبودند نباید احساس کنیم که خزانه‌اشان هم نیست، به همین علت، از دست دادن آن جزع و فزع ندارد و به دست آوردنش هم جوگیری به دنبال ندارد.

۴) باید برای هر چیز در آثار و نتایجش قدر معلوم آن را دید.

- نکته: «بقدر معلوم» یعنی هر شیئی به اندازه صفت وجودی خود، از اسماء خدا بهره دارد. مثلاً  $H_2O$  به اندازه ظرف وجودی‌اش از صفت ساقی خداوند بهره دارد. لذا  $H_2O$  تشنگی علم را نمی‌تواند برطرف کند.

- انشاءالله به برکت سوره مبارکه حجر انس با قرآن به معنای واقعی در ما ایجاد شود به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين